

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه زابل

مدیریت تحصیلات تکمیلی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

تحلیل پیچش‌های معنایی با هدف آشکار ساختن حقایق پنهان شده در تاریخ بیهقی

استاد راهنما:

دکتر محمد میر

استاد مشاور:

دکتر محمد مجوزی

تهیه و تدوین:

احسان تمیزی

بهمن ۱۳۹۰

شماره: ۸۴۲ الف

تاریخ: ۱۰/۲/۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه زابل

مدیریت تحصیلات تکمیلی

صفحه الف

این پایان نامه با عنوان: «**تحلیل و پیش‌بینی مضامین با هدف آشکار ساختن محتوای پنهان شده در تاریخچه بومی**»
قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد / دکتری توسط دانشجو
احمد مجیدی تحت راهنمایی استاد پایان نامه آقای دکتر تهیه شده است. استفاده از
مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه زابل مجاز می باشد.

امضا دانشجو

این پایان نامه
..... واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و نمره
..... و درجه به آن تعلق گرفت.

تاریخ

امضاء

نام و نام خانوادگی

.....

1- استاد راهنمای اول: **دکتر محمد...**

.....

2- استاد راهنمای دوم:

.....

3- استاد مشاور اول: **دکتر مجیدی**

.....

4- استاد مشاور دوم:

.....

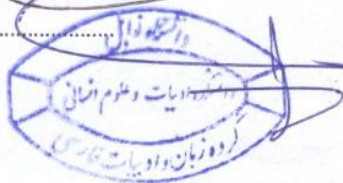
5- استاد داور: **دکتر علی محمد...**

.....

6- نماینده تحصیلات تکمیلی: **احمد...**

.....

7- مدیر گروه: (مهر و امضاء) **دکتر علی محمد...**



تقدیم به استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی

و با پوزش که

قبا گر حریرست و گر پرنیان به ناچار خشوش بود در میان

با سپاس از مردمانی که دوستشان می‌دارم.

چکیده:

قید و بندهای جامعه استبدادی زمان بیهقی در متن تاریخی او به صورت پیچش‌ها و تناقض‌های معنایی آشکار می‌شود که متن را سرشار از مقاصد ناگفته و گفته‌های کنایی می‌سازد. دریافتن معنای حقیقی متن تاریخ بیهقی، بدون تحلیل این پیچش‌های معنایی امکان پذیر نمی‌باشد. پیچیدگی و ابهام در تاریخ بیهقی از آن رو وجود دارد که بیهقی از سویی تاریخ‌نگاری است که سعی در بیان حقایق دارد و از سویی از بیان مستقیم این حقایق، احساس خطر می‌کند، بنابراین زبان او رو به سوی پیچیدگی و ابهام می‌برد. تضاد و تناقض میان دیدگاه علمی و منطقی بیهقی به تاریخ‌نگاری و شرایط استبدادی جامعه که ما از آن به عنوان بافت متن یاد می‌کنیم در متن تاریخ بیهقی، به صورت پیچش‌ها و تناقض‌های روایی و معنایی آشکار می‌شود. این امر سبب می‌شود که خواننده تاریخ بیهقی، در دریافت معنای حقیقی متن دچار اشکال شود و به ناچار به تأویل و تحلیل متن روی بیاورد. در این پژوهش، متن تاریخ بیهقی با استفاده از راهکارهای تأویل‌گرایانه تحلیل می‌شود تا حقایق پنهان شده و جنبه‌هایی از شیوه ویژه تاریخ‌نگاری بیهقی آشکار شود. همچنین این پژوهش در حقیقت، پیشنهادی است برای سود جستن از راهکارهای تأویل‌گرایانه جهت دریافتن معنای حقیقی متن و حقایق پنهان شده تاریخی در تاریخ بیهقی. شناخت پیچیدگی‌های معنایی در متن تاریخ بیهقی در بُعدی گسترده‌تر، شناخت پیچیدگی موجود در فرهنگ ایرانی است، پیچیدگی‌های برخاسته از فرهنگ استبدادی که اهالی این فرهنگ را ناچار به سخن گفتن و نوشتن در چارچوب استبدادی خویش می‌کند.

واژگان کلیدی: تاریخ بیهقی، تأویل، متن انتقادی، بافت استبدادی، سلطان مسعود.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱- مقدمه.....	۲
۱-۱- معنا و پیچش معنایی.....	۴
۱-۲- پیچش معنایی در تاریخ بیهقی.....	۹
۱-۳- متن انتقادی، بافت استبدادی.....	۱۹
۱-۴- پیشینه پژوهش.....	۲۷
۲- شیوه تاریخ‌نگاری بیهقی.....	۳۲
۲-۱- نگرش مورخ.....	۳۲
۲-۱-۱- نگرش انتقادی، خرد‌گرایی، انسان‌گرایی.....	۳۴
۲-۱-۲- محافظه‌کاری، تعصب، تقدیر‌گرایی.....	۳۸
۲-۱-۳- تناقض در نگرش سیاسی.....	۳۹
۲-۲- اسناد و شواهد.....	۴۱
۲-۲-۱- نامه‌ها.....	۴۱
۲-۲-۲- راویان.....	۵۱
۲-۳- تبیین.....	۵۳
۲-۳-۱- علت‌یابی حوادث تاریخی.....	۵۴
۲-۳-۲- اعمال شخصیت‌های تاریخی.....	۵۵

۵۷.....	۲-۳-۳- تعمیم و قانون‌مندی.....
۵۸.....	۲-۴- نتیجه‌گیری تاریخی.....
۶۶.....	۳- روایت
۶۶.....	۳-۱- عناوین، بخش بندی‌ها و نظم حوادث.....
۶۸.....	۳-۲- زاویه دید و شخصیت پردازی (اعمال شخصیت‌ها).....
۷۰.....	۳-۳- روایت‌های تمثیلی و حکایت‌های تاریخی.....
۷۸.....	۳-۴- پاره روایت‌ها.....
۸۰.....	۳-۵- زمان در روایت.....
۸۰.....	۳-۵-۱- گسترش زمان روایی.....
۸۱.....	۳-۵-۲- فشردگی زمان روایی.....
۸۱.....	۳-۵-۳- روایت‌های کلی و گسترده، آینده نگری و گذشته نگری.....
۸۴.....	۳-۶- روایت کهن‌الگویی.....
۸۶.....	۳-۷- نشانه‌های کنایی در جمله‌ها و عبارت‌های متن.....
۸۸.....	۴- نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۸۸.....	۴-۱- نتیجه‌گیری.....
۸۹.....	۴-۲- پیشنهادات.....
۹۰.....	کتاب‌نامه:

فهرست شکل‌ها

۶ (متن، معنا، هستی، انسان)

۱۷..... (معنا و روایت)

۳۴..... (نگرش بیهقی)

نشانه‌های اختصاری

ر. ک: رجوع کنید به

فصل اول:

مقدمه و کلیات تحقیق

۱- مقدمه

«تجدد و خودشناسی نیز ملازم یکدیگرند. می‌دانیم که ملاط هر شناخت نوعی نظریه است. به دیگر سخن، شناخت بی نظریه، شدنی نیست. تاکنون بخش اعظم آنچه که از خویشتن خویش شناخته‌ایم، اغلب از منظر و به مدد تلاش و نظریه‌هایی بود که از غرب به وام گرفته‌ایم. به گمانم به راحتی می‌توان ادعا کرد که یافتن ذهن و زبانی ایرانی، برخاسته از تجربه تاریخ ایران، شرط نخست تجدد فکری و شناخت واقعی تجدد است. چنین ذهن و زبانی، مانند هر اندیشه خلاق، قاعدتاً ترکیبی است از خاطره قومی و فردی قدیم و سوادها و خواست‌های دگرگونی جدید. اگر در روزگار ما، صرفاً متون فرهنگی گذشته را، یعنی همان اجزای اصلی خاطره قومی خویش را باز خوانی کنیم، دوری تکراری پیموده‌ایم. در عین حال، اگر سوادهای دگرگونی ما را هم تنها به مدد نظریه‌های برخاسته از تجربه غرب، و در هم تنیده به ذهن و زبان غربی، شکل بخشیم، باز هم گره بر باد زده‌ایم» (میلانی، ۱۳۸۳: ۸).

مهم‌ترین دلیل برای اینکه بر روی تاریخ بیهقی به پژوهش پردازم، علاقه ای بود که به تاریخ بیهقی داشتم. همان گونه که همگان گفته‌اند تاریخ بیهقی، همچون دیگر متون تاریخی و ادبیمان، همچون آینه ای است که حقیقت آنچه که هستیم را به ما باز می‌نمایاند. در هنگام مطالعه تاریخ بیهقی همیشه احساس می‌کردم، آنچه در تاریخ بیهقی، همچون سرچشمه ای از فرهنگ ما، بیش از هر چیزی به چشم می‌خورد، استبداد، نبود نقد و آزادی بیان، تقدیرگرایی، فریب‌کاری و ترسان بودن همیشگی تمام شخصیت‌های تاریخ بیهقی است؛ و پرسش‌هایی در ذهنم در علت یابی فرهنگ

استبدادی در تاریخ بیهقی به وجود می‌آید. بنابراین این پژوهش در گام نخست، پاسخی است به پرسش‌های خودم.

نظریه ادبی و داشتن دیدگاه ویژه نسبت به متن ادبی سبب می‌شود که چارچوب پژوهش و نقد از پیش مشخص باشد که این خود از بیراهه رفتن و زیاده‌گویی جلوگیری می‌کند و مطالب در چارچوب منظم معنایی و هدفمند ارائه می‌شوند. از سویی نوع پژوهش و ویژگی‌های خاص هر نوع متن ادبی سبب می‌شود که از راهکارهای ویژه‌ای برای پژوهش در آن متن سود بجوییم (یوسفی و صدقیانی، ۱۳۷۰: ۳۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰؛ کالر، ۱۳۸۴: ۱۰، ۱۶۲).

کاربرد نظریات ادبی غربی، سبب سد شدن اندیشه و قدرت استدلال و پژوهش پژوهشگران مستقل و دارای اندیشه بومی می‌شود. به این معنا که تنها پژوهش‌هایی از طرف جامعه دانشگاهی و ادبی مورد استقبال و پذیرش قرار می‌گیرد که بر گرفته و کاملاً در چارچوب مفهومی نظریات غربی باشد و اگر پژوهشی، هر چند راه‌گشای مسایل انسانی و ادبی، خارج از این چارچوب‌ها باشد، مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و این گونه است که پژوهشگران ادبی ما دچار جمود اندیشه، خام‌خواری و همواره در انتظار ثمره اندیشه و نظریات غربی هستند تا متون ادبی ما را با آن‌ها تحلیل و بررسی کنند بدون توجه به این مطلب که این نظریات برخاسته از جهان اندیشگی متفاوت و با مسائل و نیازهای انسانی متفاوت با ما است.

اولین قدم در زمینه پژوهش و نقد ادبی می‌تواند بومی سازی این علوم باشد، بومی سازی به معنای محدود شدن نقد ادبی نیست بلکه به معنای استفاده از ویژگی نقد آزادانه برای دریافت حقیقت فرهنگ، ادب و هویت انسانی است. همچنین بومی سازی به معنای وارد سازی مستقیم و بدون پشتوانه فکری و فرهنگی اندیشه‌های دیگران نیز نمی‌تواند باشد، حتی به ترجمه متون ادبی و پژوهشی بدون

پشتوانه فرهنگی و فکری نیز نمی‌توان بسنده نمود. بومی‌سازی به معنای درونی‌سازی اندیشه بنیادین انسانی در این متون است. نظریه پردازان جدا از فوایدی که در بررسی و نقد متون ادبی دارد تأثیر مهم و گسترده تری نیز در سطح فرهنگ و جامعه می‌تواند داشته باشد و آن ترویج تفکر انتقادی و انسانی است.

نظریه‌ای که بر اساس آن پیچش‌های معنایی در تاریخ بیهقی تحلیل می‌شود دو مفهوم متن انتقادی و بافت استبدادی را در بر می‌گیرد. متن انتقادی، تنها به معنای متنی که به انتقاد آشکارا می‌پردازد نیست و در حقیقت تاریخ بیهقی را می‌توان متنی انتقادی به معنای متنی که سعی در بیان آشکار حقایق و انتقاد پنهانی دارد، دانست. در ترکیب بافت استبدادی، بافت به معنای تمامی شرایطی است که پیرامون یک ارتباط وجود دارد. بنابراین بافت متن به معنای تمامی شرایطی است که متن در آن نوشته و خوانده می‌شود. مفهوم استبداد نیز طیف وسیعی از مسائل و مفاهیم را در بر می‌گیرد از شیوه حکومت سیاسی تا قواعد و قوانین نانوشته و فرهنگ غالب بر جامعه و فرد که تأثیرهای بسیاری نیز بر فرد و جامعه می‌گذارد.

۱-۱- معنا و پیچش معنایی

پرسشی که نخست پیرامون موضوع این پژوهش به ذهن می‌رسد این است که چرا پیچش‌های معنایی در تاریخ بیهقی را تحلیل می‌کنیم؟ برای پاسخ گفتن به این پرسش، چند پرسش مطرح و تا جای ممکن به آن‌ها پاسخ داده می‌شود.

۱- پیچش معنایی چیست؟

۲- آیا تاریخ بیهقی پیچش معنایی دارد؟

۳- چگونه پیچش‌های معنایی در تاریخ بیهقی را تحلیل می‌کنیم؟

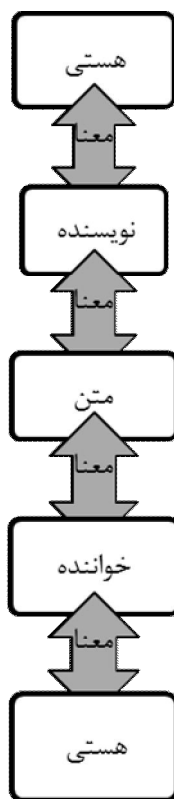
برای پاسخ گفتن به پرسش نخست، باید دانست که معنا چیست؟ تا دریابیم که پیچش در آن به چه معناست؟ پاسخ گفتن به پرسش چیستی معنا ما را وارد مباحث و موضوعات فلسفی و هستی‌شناختانه می‌سازد. اینکه معنا آن یگانه چیزی است که انسان در سراسر زندگانی خود از اسطوره و تاریخ در پی دست یافتن و ساختن آن بوده است. معنا آن چیزی است که در پرتو آن همه هستی انسان به وجود می‌آید. در پرتو معناست که انسان نخستین گام‌ها را بر می‌دارد و می‌توان وجود انسان و نخستین گام انسان در صحنه هستی را دریافتن و دست یافتن به معنا دانست.

از این رو معنا در سراسر زیستن انسان و در ارتباط انسان با هستی و با دیگر انسان‌ها خود را آشکار می‌سازد و از همین رو است که معنا چیزی ثابت و محصور در آگاهی و تجارب یک تن نیست بلکه معنا در ارتباط به دست می‌آید و پیوسته در حال نو شدن است زیرا انسان همواره در حال تجربه کردن و نو شدن است. معنا اندیشه و نگرش انسان به هستی را می‌سازد و انسان با اندیشه خود، معنا را. بنابراین نسبت میان انسان و معنا، نسبت دو مفهوم جدا از یکدیگر نیست و در حقیقت انسان و معنا یگانه‌اند و بی یکدیگر و بدون ارتباط با هم بی معنا و فاقد وجود.

یکی از ساحت‌های زیستن انسان که پویه انسان به سوی معنا در آن آشکار می‌شود، متن نوشتاری است. انسان در متن در پی معنا کردن هستی و دست یافتن به معنای هستی است. معنا در متن، سیلان دارد، سیلان به این معنا که «معنا» از اندیشه و ذهن نویسنده و مؤلف به نوشتار

متن و از متن به اندیشه و ذهن خواننده و مخاطب در سیلان است. از سویی معنا از هستی به اندیشه و ذهن نویسنده و مخاطب و از اندیشه به هستی نیز سیلان دارد.

درست تر می‌نماید که تمامی این پویه چند زنجیره ای پیوسته با یکدیگر را تنها یک مفهوم بدانیم که می‌توان آن را «متن، معنا، هستی، انسان» دانست و در حقیقت میان این مفهوم‌ها هیچ تفاوت و جدایی نیست و کاربرد هر یک دیگری را نیز در ذهن تداعی می‌کند.



شکل شماره ۱: (متن، معنا، هستی، انسان)

بنابراین متن ادبی، جولانگاه معنا است که در آن نویسنده، معنایی که از هستی دارد را با نوشتن در متن آشکار می‌سازد و خواننده با خوانش متن، معنایی که نویسنده ارائه کرده است را در می‌یابد.

از دیدگاه ساختارگرایان می‌توان، معنا را پیامی دانست که نویسنده به مخاطب منتقل می‌کند (پور نامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱). اما این ارتباط، بسته، محصور و با نتایجی کاملاً قابل پیش بینی نیست که خواننده با خوانش متن به راستی همان معنایی که نویسنده در ذهن داشته است و سعی در بیان کردن آن دارد را دریابد. در خوانش متن، انتقال پیام و برداشت معنا نکاتی را نمی‌توان از یاد برد. اینکه هر انسانی نگرش خاصی به هستی دارد و هستی را متفاوت از دیگران معنا می‌سازد. نویسنده نگرش ویژه خود را به هستی دارد، معنایی متفاوت از هستی برداشت می‌کند و میان اندیشه او، تجارب هستی شناختی او و اندیشه و تجارب خوانندگان متن او ممکن است تفاوت‌های بسیاری وجود داشته باشد.

از سویی معنا در متن نیز چندان محدود، محصور و ثابت شده باقی نمی‌ماند. معنای متن با نشانه‌های نوشتاری آشکار می‌شود و تک تک این نشانه‌ها در ارتباط با یکدیگر نیز معنا می‌یابند و دارای معنا می‌شوند. حرف حرف یک متن و تک تک کلمات و در ارتباط آن‌ها با یکدیگر که یک جمله را شکل می‌دهند و در ارتباط تمامی جملات همچون اجزای متن با یکدیگر، معنای متن به دست می‌آید.

حال ممکن است در فرآیند «دریافتن و بر ساختن معنا»، عواملی تأثیر بگذارد. نویسنده در شرایط ویژه ای متن را می‌آفریند و خواننده نیز متن را در شرایط ویژه ای می‌خواند که از آن به عنوان «بافت یا موقعیت متن^۱» یاد می‌کنیم. بافت متن گاهی سبب می‌شود که نویسنده معنا را به صورت کامل و با نشانه‌های آشکار در متن بیان نکند و نشانه‌های متنی مبهم و ناقص را وارد متن می‌سازد. از سویی نشانه‌های نوشتاری متن نیز که معنا در آن قرار دارد، نیز با یکدیگر متفاوت

است. ابهام، استعاره و خیال، ذاتی شعر و ادبیات محسوب می‌شوند اما گاهی متونی که ویژگی آن‌ها ارتباط مستقیم با خواننده و بیان آشکارای معنا را دارند نیز در نشانه‌های نوشتاری خود، معنا را مبهم و پیچیده بیان می‌کنند.

پیچش در معنا گاهی به ضعف تألیف و خام دستی نویسنده در کنش نوشتن باز می‌گردد. نوشتن به معنای توانایی بیان معانی با زبان و نشانگان نوشتاری هم دست با نوع آن معنا در متن. معانی علمی را نمی‌توان با نشانه‌های نوشتاری ادبی و در زبانی شاعرانه بیان کرد؛ و از سویی کسانی هستند که می‌توان آن‌ها را نویسنده نما و نویسندگان دروغی نامید. کسانی که از هنر نوشتن خالی‌اند و نویسنده بودن را به دروغ به خود نسبت می‌دهند. چنین کسانی از آن رو که توانایی آفرینش معنا و ارتباط با خواننده را ندارند، با روی آوردن به پیچیده‌گویی، فرآیند برداشت معنا و ارتباط را بر هم می‌زنند تا کسی آن‌ها را نخواند و در قصر خیالی عاج^۲ خود باقی بمانند.

شرایط روحی و جسمی نویسنده و خواننده می‌تواند بر خوانش متن تأثیرگذار باشد. موقعیت خوانش متن نیز در برداشت معنای متن تأثیرگذار است و شباهت و نزدیکی میان فضای ذهنی نویسنده و خواننده متن و موقعیت یا بافت آفرینش و خوانش متن، معناهای متنی بیان شده و برداشت شده را نیز به یکدیگر نزدیک می‌سازد.

گاهی شرایط و موقعیت نوشتن، نویسندگان چرب دست را نیز در بیان مستقیم و کامل معنا ناکام می‌گذارد و در متنی که ویژگی آشکار آن بیان بی‌پرده معانی است نیز معنا را ناگفته و نیم

۲- «تعبیر برج عاج را اولین بار مونتینی (Michel de Montaigne 1532- 1592) نویسنده فرانسوی به‌کار برد. مونتینی کتابخانه و اطلاق کار خود را که در برجی در قصر داشت، برج عاج نامید. اما بعدها این اصطلاح در مورد هنرمندانی به‌کار رفته است که از اجتماع و زندگی واقعی کناره می‌گیرند و در آثارشان از واقعیت‌های زندگی اثری نیست، در این صورت آن‌ها را ساکنان برج عاج می‌نامند.» (میر صادقی، ۱۳۶۸: ۴۵۱).

گفته باقی می‌گذارد و خواننده ایده آل نیز در خوانش متن و دریافت معنا دچار اشکال می‌شود. خواننده ایده آل به معنای انسانی که در شرایط روحی و جسمی طبیعی قرار دارد و با ویژگی ذاتی متون گوناگون آشناست و برای مثال در یک متن درسی ریاضی به دنبال دریافتن معنای شعری نیست. ابهام و پیچیدگی در متونی که ویژگی ذاتی آن‌ها بر ابهام بنا نهاده نشده است، پذیرفته نیست و خواننده با خوانش آن‌ها هدفی متفاوت از خواندن ادبیات، درک زیبایی، معنای شعری و ادبی در ذهن دارد. معانی که از یک متن تاریخی می‌توان برداشت کرد، نمی‌توان از شعری از سهراب سپهری، فروغ فرخزاد یا احمد شاملو دریافت.

بنابراین «پیچش در معنا» به معنای نشانه‌هایی با معانی متناقض و سطور سفید در میان نشانه‌های نوشتاری متن است که خواننده برای دست یافتن به معنای متن، باید آن‌ها را با نشانه‌های نوشتاری ابداعی خود پُر کند و تأویل متن را دریابد تا از هم گسیختگی و ابهام نخستین متن از بین برود، متن انسجام یابد و معنای حقیقی آن آشکار شود.

۲-۱- پیچش معنایی در تاریخ بیهقی

تاریخ بیهقی، گرچه متنی تاریخی است و باید ویژگی‌های آشکار یک متن تاریخی را داشته باشد که معنای تاریخی را منطقی و آشکارا در زبانی منطقی و علمی بیان می‌کند ولی در متن آن، تناقض‌هایی وجود دارد که به صورت پیچش‌های معنایی آشکار می‌شود و خواننده را در دریافتن حقایق تاریخی دچار اشکال می‌سازد.

برای مثال در ابتدای روایت بر دار کردن حسنک وزیر، خواننده به راستی نمی‌داند که حقیقت چیست؟ در این بخش از متن، میان گفته‌های بیهقی پیرامون محتشم و فاضل و ادیب بودن بو

سهل زوزنی و کارهای زشت او تناقض ایجاد می‌شود. از سویی به راستی علتِ اینکه تا کنون بو نصر مشکان از حيله‌های بو سهل خویش را نگاه داشته است، تأثیر تقدیر و مشیت الهی بوده است و یا زیرکی بو نصر در نگاه داشتن دل سلطان مسعود، سبب بر جای ماندن مال و جان بو نصر شده است؟ و اینکه آیا کسانی که فرو گرفته شده‌اند، توسطِ بو سهل زوزنی جان و مالشان بر باد رفته است و یا دست تقدیر چنین خواسته است و یا اینکه مسئولیتِ بر دار کردن حسنک همچون دیگر اعمالِ مشابه در تاریخ بیهقی بر عهدهٔ شخص سلطان مسعود است که دستور تمامی این کارها را داده است؟

«این بو سهل مردی امامزاده و محتشم و فاضل و ادیب بود، اما شرارتی و زعارتی در طبع وی مؤکد شده - و لا تبدیل لخلق الله - و با آن شرارت دلسوزی نداشت و همیشه چشم نهاده بودی تا پادشاهی بزرگ و جبار بر چاکری خشم‌گرفتی و آن چاکر را لت زدی و فرو گرفتی، این مرد از کرانه بجستی و فرصتی جستی و تضریب کردی و المی بزرگ بدین چاکر رسانیدی و آنگاه لاف زدی که فلان را من فرو گرفتم - و اگر کرد دید و چشید - و خردمندان دانستندی که نه چنان است سری می‌جنابیدندی و پوشیده خنده می‌زدندی که نه چنان است. جز استادم که او را فرو نتوانست برد با آن همه حیلت که در باب وی ساخت. از آن در باب وی به کام نتوانست رسید که قضای ایزد با تضریبهای وی موافقت و مساعدت نکرد. و دیگر که بو نصر مردی بود عاقبت نگر، در روزگار امیر محمود، رضی الله عنه بی آنکه مخدوم خود را خیانتی کرد، دل این سلطان مسعود را، رحمه الله علیه، نگاه داشت به همه چیزها، که دانست که تخت ملک پس از پدر وی را خواهد بود» (بیهقی، ۱۳۸۸: ۱۶۸ - ۱۶۹).

با وجود تمامی پژوهش‌هایی که بر ویژگی‌های ادبی تاریخ بیهقی تأکید می‌ورزند، باز هم تاریخ بیهقی را نمی‌توان متنی به معنای کامل ادبی دانست و در حقیقت تاریخ بیهقی، متنی تاریخی است که سعی در بیانِ حقایقِ تاریخی دارد گر چه در بخش‌هایی زبان آن به زبانِ متون ادبی نزدیک

می‌شود. هر تاریخی بر اساس یک شیوه تاریخ‌نگاری نوشته می‌شود و در یک روایت تاریخی، به علت‌یابی حوادث تاریخی و بیان وقایع و حقایق تاریخی می‌پردازد. مسائل اصلی تاریخ‌نگاری به صورت خلاصه: حوادث تاریخی، تبیین و علت‌یابی آن‌ها و بیان آن‌ها در یک روایت تاریخی معنا دار و منطقی است و در کنار این‌ها دیگر مسائل تاریخ‌نگاری همچون کاربرد اسناد و شواهد معتبر، چگونگی تبیین و علت‌یابی حوادث، چستی روایت تاریخی و منطقی و معنا دار بودن آن، حوادث تاریخی بیان شده در تاریخ، نگرش مورخ، ارزش‌یابی وی و میزان منطبق بودن تاریخ بر حقیقت و واقعیت مطرح می‌شود.

برای دریافتن چرایی وجود پیچش معنایی در تاریخ بیهقی، ابتدا باید شیوه تاریخ‌نگاری^۳ بیهقی را دریابیم. تاریخ‌نگاری، نگارش تاریخ به ویژه بر اساس بررسی انتقادی سرچشمه‌ها، گزینش جزئیات معتبر و ترکیب آن‌ها در قالب یک روایت است. تاریخ علمی بر مبنای مشاهده و جستجوی دقیق نوشته می‌شود و هدف آن، کشف حقیقت و توضیح علل واقعی رویدادها است (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۴۳).

نخستین چیزی که در تاریخ‌نگاری همچون هر عمل نوشتاری دیگر ارزش می‌یابد، نویسنده است و در نویسنده نیز نگرش و دید وی به هستی که گام نخستین در دریافتن و آفرینش معنا در آن برداشته می‌شود. تناقض‌ها و پیچیدگی‌های معنایی در متن تاریخی در حقیقت بیانگر تناقض و پیچیدگی نگرش نویسنده آن است از آن رو که کلیت شیوه تاریخ‌نگاری و روایت تاریخی به وجود آمده از آن، تحت تأثیر نگرش نویسنده قرار دارد. بیهقی، نگرش ویژه خود را که تناقض‌های متن برخاسته از آن است، در سراسر متن و در تعریف‌های خود از انسان و تاریخ آشکار می‌سازد. انسانی